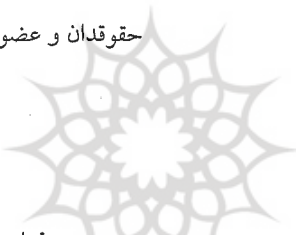


## آشنایی با آخرین تحولات در زمینه حفاظت از حقوق معنوی و کپی‌رایت

دکتر عقیف شمس‌الدین  
حقوقدان و عضو اتحادیه ناشران لبنان



### بخش اول: کلیات نگاهی تاریخی و گذرا

اندیشه حمایت از آثار ادبی و هنری، نخست در فرانسه پدید آمد و در اروپا به طور عمومی در سده پانزدهم با پیدایش وسایل چاپ ظهور کرد. در آن دوران چاپ کتاب به نحوی درخور توجه توسعه پیدا کرد و شکوفا شد که دشواری‌های فراوانی همچون معامله غیر قانونی و سرقت ادبی را به همراه داشت و در نیمه دوم سده شانزدهم به دلایلی چند تشدید شد. دشواری فراوان تهیه مواد مورد استفاده در چاپ، نرخ پایین کتاب‌ها و دیگر مشکلات، صنعت چاپ را به‌صنعتی آمیخته با مخاطرات - که مبالغ‌گرانی را که برای آن هزینه می‌شد باز نمی‌گرداند - تبدیل کرد. در قرن شانزدهم، چاپخانه‌داران شروع به مطالبه ضمانت‌های ویژه برای حمایت کتاب‌هایی کردند که به چاپ آن می‌پرداختند. پادشاهان زمان نیز با آنان همصدا شدند و این ضمانت‌های مورد درخواست را در

اختیارشان قرار دادند و، به استناد ضمانت‌های ویژه یادشده، چاپ یا نسخه‌برداری از کتاب‌های تحت حمایت برای غیر مؤلف ممنوع شد و هر کس به این کارها اقدام می‌کرد مشمول جریمه‌های کیفری می‌شد.

در آغاز قرن هجدهم، میان خریداران کتاب در پاریس که بیشتر ضمانت‌های ویژه را در اختیار داشتند و خریداران مقیم بیرون پاریس که تنها برخی از این ضمانت‌ها را داشتند نزاع پدید آمد. هنگامی که زمان تجدید این ضمانت‌ها فرا رسید، خریداران مقیم خارج پاریس با تجدید ضمانت‌ها برای پاریسی‌ها مخالفت کردند و گفتند چاپ کتاب با تیراژ فراوان و پخش گسترده آن کاری است که در حوزه عمومی قرار دارد. اهالی پاریس بر تجدید ضمانت‌ها پافشاری کردند و به این جهت از مؤلفان یاری جستند و وکیلی به نام لوئی دُهری کورت<sup>۱</sup> از اهالی پاریس حمایت کرد. او قائل بود که اثر، نوآوری مؤلف است و مالکیت آن به وی بازمی‌گردد و مؤلف به نفع ناشر، که دشواری و خطر چاپ و توزیع را به عهده می‌گیرد، از حق مالکیت خود می‌گذرد. به سال ۱۷۶۷ ناشر پاریسی لوبرتن<sup>۲</sup> از دیدرو<sup>۳</sup> مؤلف مشهور آن زمان کمک خواست؛ کسی که نظریه پاریسی‌ها را تأیید و به نحوی قوی و قانع‌کننده از حق مالکیت مؤلف بر اثر خود دفاع کرد.

همصدا با نظریه ناشران پاریسی، لویی شانزدهم<sup>۴</sup> در سال ۱۷۷۷ شش فرمان در مورد تجارت کتاب صادر کرد. یکی از این فرمان‌ها تحت عنوان Arret Sur Les Privileges به مؤلف، به دلیل نوآور بودنش، حق ابدی می‌دهد و به ناشر حقی انحصاری برای زمانی محدود می‌دهد تا امکان بازستاندن مبالغی را که در چاپ و نشر هزینه کرده بیابد. اما انقلاب

1. Louis D'Heri court

2. Le Breton

3. Diderot

4. Louis XVI

فرانسه در سال ۱۷۸۹ همه ضمانت‌ها و محتویات آن‌ها را که به ناشران داده شده بود لغو کرد و همه آن‌ها را به دو فرمان ذیل تبدیل نمود:

۱. فرمان ۱۳-۱۹ سال ۱۷۹۱، که به مؤلف حق اجازه یا جلوگیری از علنی شدن اثرش را داد.

۲. فرمان ۱۹-۲۴ سال ۱۹۷۳، که به مؤلف حقی انحصاری برای اجازه یا منع نسخه‌برداری اثرش را اعطا کرد.

این دو فرمان مستند به مبنای مالکیت مؤلف نسبت به اثرش بود. حتی گزارش لوشاپلیه<sup>۱</sup> به مجمع عمومی فرانسوی، مالکیت یاد شده را معتبر شمرد.<sup>۲</sup> این فرمان‌ها تا سال ۱۹۵۷ - تاریخ نخستین قانون جدید حق مؤلف در فرانسه - مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در خلال بیش از صد سال دگرگونی نظریه حق مؤلف، دادگاه‌های فرانسوی به آن‌ها پایبند بودند.

در دیگر کشورهای اروپایی، همچون انگلیس، داستان شبیه به همین بود.

اما در مورد دولت‌های عربی شرق و دولت‌های اسلامی و دولت‌هایی که بخش اعظم آن‌ها تحت فرمان عثمانی بودند، باید گفت آن‌ها به قوانین عثمانی از جمله قانون صادر شده در سال ۱۸۷۲ مربوط به تألیفات ممتاز و نیز قانون چاپخانه‌ها به سال ۱۸۸۸ گردن می‌نهادند. پس از شکست دولت عثمانی در جنگ جهانی اول، برخی از این دولت‌ها به فرانسه یا انگلیس گراییدند. هنگامی که پیمان‌نامه برن وضع شد، برخی دولت‌ها همچون مغرب و تونس در بنیان‌گذاری آن مشارکت کردند، چنان‌که بعدها برخی دیگر از این دولت‌ها مثل لبنان و مصر به آن پیوستند. همین‌طور

1. Le Chapelier

2. La Plus sacrée, La Plus Personelle de teutes Les Proprietes

اندونزی به قرارداد حق مؤلف و ایپو، که بحث آن به تفصیل خواهد آمد، پیوست.

### فلسفه حق مؤلف

از آن جا که حق مؤلف حقی نسبتاً نوین است، پرسش این است که ملاک و علت ایجاد نظامی برای حمایت از حق مؤلف چیست؟ چهار علت هست که می‌توان آن‌ها را علل ایجاد نظام حمایت از حق مؤلف شمرد:

#### ۱) مبنای عدالت طبیعی

مؤلف، مبتکر اثری ادبی یا هنری است که تعبیری از شخصیت و مبادی فکری و فلسفی وی است. پس طبیعی است که حق داشته باشد هر چه می‌خواهد بیان کند، خواه اثر او چاپ و منتشر شود یا نشود. مؤلف در مورد چگونگی انتشار و نیز جلوگیری از انجام هر کاری که اثر ادبی یا هنری او را تغییر دهد یا به آن توهین کند حق دارد.

مؤلف، همچون هر مبتکر دیگر، حق استفاده مادی از نتایج صنعت یا اثرش را دارد و، به تبع این حق، به دست آوردن عوض مادی از به کارگیری اثر ادبی یا هنری که مبتکر آن بوده حق مسلم اوست.

#### ۲) علت اقتصادی

پدید آوردن برخی آثار ادبی و هنری، مثل فیلم‌های سینمایی و کارهای هنری، هزینه کردن مبالغی هنگفت می‌طلبد، همچنان که نشر و توزیع برخی آثار نیز مبالغی گزاف می‌خواهد. این سرمایه‌های هنگفت هزینه نمی‌شوند مگر این‌که سرمایه‌گذار اطمینان داشته باشد که قانون از او حمایت می‌کند و اجازه بازگرداندن سرمایه را از طریق بهره‌برداری اقتصادی از آثار به شکل انحصاری به او می‌دهد.

#### ۳) علت فرهنگی

آثار پدیدآمده به دست مؤلفان هر کشور، معین سرمایه کلان فرهنگی - ملی آن کشور است. به همین جهت، تشویق ابتکار و آفرینش به سود

همگان است، چرا که در شکل‌گیری فرهنگ ملی نقش دارد.

#### ۴) علت اجتماعی

نشر آثار ادبی و هنری و توزیع آن‌ها در میان تعداد بیشماری از مردم، رابطه میان آنان را تقویت می‌کند و وحدتی اجتماعی می‌آفریند. پس به این ترتیب مؤلف نقش اجتماعی تأثیرگذاری دارد.

#### مبایدهای اساسی رعایت حق مؤلف

۱. حق مؤلف از خود اندیشه، از آن حیث که اندیشه است، حمایت نمی‌کند بلکه از روش بیان اندیشه حمایت می‌کند. اندیشه ملک عمومی همگان است و هر کس می‌تواند به آن پردازد، به شرط این‌که بیان آن اندیشه با همه بیانات قبلی متفاوت باشد.

۲. حق مؤلف حق مالکیت است. علت این حق مالکیت آن است که مؤلف به نوآوری اثر مبادرت کرده، پس مالک آن است. موضوع حق مالکیت، اثری ادبی یا هنری یا هر چیز غیر حسی است. قانون جدید لبنان، به شماره ۹۹/۷۵، حق مؤلف را به عنوان حقی قابل انتقال معتبر دانسته که می‌توان به طور جزئی یا کلی به دیگری واگذار کرد.

۳. حق مؤلف حقی است با مدت زمان محدود. حق مؤلف، بر خلاف حق مالکیت اشیاء محسوس، هرگز همیشگی نیست بلکه محدود به زمان معینی است. پس از سپری شدن مدت حمایت، حق مؤلف ساقط و اثر به مالکیت عمومی درمی‌آید.

۴. حق مؤلف حق انحصاری است. دارنده حق مؤلف می‌تواند غیر خود را از به کار گرفتن اثری که پدید آورده باز دارد. البته این سخن به این معنا نیست که دارنده حق مؤلف محترک شمرده شود، زیرا وی هر گاه به طور مثال شعری را در باره عشق بگوید، مانع از شعر

گفتن دیگری دربارهٔ عشق نمی‌شود، به شرط این‌که روش بیان مختلف باشد.

۵. حق مؤلف عبارت است از مجموعه‌ای از حقوق. این مجموعه حق، قابل تجزیه و دخل و تصرف در هر بخشی مستقل از بخش‌های دیگر است. مثلاً مؤلف داستان می‌تواند به شخص معینی حق چاپ و توزیع آن و به شخص دیگری حق تبدیل آن به فیلم سینمایی را بدهد.

۶. حق مؤلف مشروط به هیچ تشریفاتی نیست. حق مؤلف به مجرد ابتکار او پدید می‌آید؛ ابتکاری از سوی مؤلف بدون این‌که نیازی به هیچ نوع تشریفات مثلاً ثبت باشد.

### بخش دوم: پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حق مؤلف

الف - پیمان‌نامهٔ برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱۸۸۶م)

پیمان‌نامهٔ برن به سال ۱۸۸۶ از قدیمی‌ترین پیمان‌نامه‌های بین‌المللی است که حق مالکیت ادبی و هنری را تضمین می‌کند. با این‌که وضع این پیمان‌نامه بیش از یکصد سال قبل صورت پذیرفته، هنوز مورد اجراست و بدون تغییر بنیادی در مفاد اساسی که هنگام وضع آن به تصویب رسیده، به آن عمل می‌شود. این پیمان‌نامه همواره کشورهای جدیدی را در بر می‌گیرد و آخرین کشوری که به آن ملحق شده ایالات متحدهٔ آمریکا است که در سال ۱۹۸۹ به آن پیوسته است.

اتفاق نظر بر متن این پیمان‌نامه در ۹ ایلول/سپتامبر سال ۱۸۸۶ انجام شد و این پیمان‌نامه در کانون ۱۸۷۷ به مرحلهٔ اجرا گذاشته شد. اصلاحاتی چند در متن اصلی آن صورت گرفته است که شرح آنها در زیر می‌آید:

- اصلاحیهٔ پاریس در ۴ آیار/می ۱۸۹۶

- اصلاحیه برلین در ۱۳ تشرین/نوامبر ۱۹۰۸
  - پروتکل اضافی برن در ۲۰ آذار/مارس ۱۹۱۴
  - اصلاحیه ژم در ۲ حزیران/ژوئن ۱۹۲۸
  - اصلاحیه بروکسل در ۲۶ حزیران/ژوئن ۱۹۴۸
  - اصلاحیه استکهلم در ۱۴ تموز/جولای ۱۹۶۷
  - اصلاحیه پاریس در ۲۴ تموز/جولای ۱۹۷۱
  - اصلاحیه پاریس در ۲۸ ایلول/سپتامبر ۱۹۷۹
- اما مواد اساسی قانونی که این پیمان نامه متضمن آن هاست به شرح زیر است:
۱. حمایت شامل حال مؤلف در مورد آثاری که به طور ابتکاری پدید آورده می شود، بی آن که پیمان نامه تعریفی از مؤلف یا اثر داشته باشد.
  ۲. کشوری که برای نخستین بار اثر در آن منتشر می شود منشأ آن به حساب می آید اما در مورد آثاری که منتشر نشده اند، کشور (پدیدآورنده یا) منشأ، همان کشور مؤلف است.
  ۳. مؤلفان دارای تابعیت یکی از کشورهای عضو پیمان نامه، در هر یک از کشورهای عضو این پیمان نامه، از همان حقوقی که شهروندان این کشورها دارند برخوردار می شوند.
  ۴. مؤلف، بدون نیاز به هیچ تشریفات مثل ثبت، از حمایت قانونی برخوردار می شود.
  ۵. متن اصلی، مدت حمایت را به میزان مدت مقرر حمایت در کشور پدیدآورنده (منشأ) تعیین می کند، بی آن که هیچ حد پایین تری از آن را ذکر کند.
  ۶. حقوق مورد حمایت (این پیمان نامه) تنها حق ترجمه و حق عرضه علنی تعیین شده، با این ملاحظه که حق چاپ یا نسخه برداری به طور صریح در آن ذکر نشده، چرا که ذکر این

دو تحصیل حاصل است. این دو حق، یعنی حق چاپ و حق نسخه‌برداری، در سال ۱۹۶۷ ضمن اصلاحات استکهلم به متن پیمان‌نامه افزوده شدند.

مهم‌ترین اصلاحاتی (تعدیلاتی) که در سال‌های ۱۹۸۶ (پاریس) و ۱۹۰۸ (برلین) و ۱۹۱۴ (برن) و ۱۹۲۸ (ژم) در پیمان‌نامه و متن آن انجام شده است، به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. افزودن حقوق معنوی به حقوق مؤلف؛
۲. افزودن حق پخش و توزیع، همچون حقی از جمله حقوق مؤلف؛
۳. تعیین حداقل مدت حمایت به مدت پنجاه سال پس از مرگ مؤلف.

#### ب - پیمان‌نامه جهانی حق مؤلف<sup>۱</sup> (۱۹۵۲)

پیمان‌نامه برن، به رغم توفیق فراوانش، نتوانست به شمول فراگیری که به سوی آن حرکت می‌کرد، دست پیدا کند. دو علت اصلی این امر عبارت‌اند از:

۱. مفاد قانونی پیمان‌نامه برن از نظام‌های قانونی اروپایی و به‌ویژه فرانسوی، که با قوانین امریکایی و قوانین بسیاری از کشورهای امریکای لاتین اختلاف دارد، مدد می‌گرفت که از جمله موانع پیوستن این کشورها به پیمان‌نامه به حساب می‌آید.
۲. پیمان‌نامه، از همان آغاز، به نوع حقوق مورد حمایت بیشتر از تعداد کشورهای ملحق شده به آن اهمیت می‌داد.

این دو علت راه را برای تولد پیمان‌نامه‌ای جدید هموار کرد که حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری را به گونه‌ای تنظیم کند که، علی‌رغم اختلاف نظام‌های قانونی و اقتصادی و فرهنگی کشورها، به آن‌ها اجازه بدهد به آن بپیوندند. در پی این تحول، یونسکو اقدام تازه‌ای کرد و در

1. Universal Copyright Convention (UCC)

سال ۱۹۵۲ پیمان‌نامه‌ای جهانی برای حق مؤلف وضع کرد. هدف پیمان‌نامه جدید از میان بردن شکاف میان دو نظام اصلی جهانی برای حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری بود؛ یکی نظام فرانسوی موسوم به حق مؤلف و دیگری نظام انگلوساکسونی مشهور به حق چاپ. از دیگر هدف‌های مهم آن، تشویق کشورهای دیگر همچون ایالات متحده آمریکا برای پیوستن به این پیمان‌نامه بود، بی آن‌که کشورهای عضو پیمان برن را به کاستن سطح حمایتی که قوانین آن از حقوق مالکیت ادبی و هنری به عمل می‌آورد الزام کند.

این پیمان‌نامه دو بار اصلاح شد:

- بار نخست در سال ۱۹۶۷

- بار دوم در سال ۱۹۷۱

اما دولت‌های عربی‌ای که به این پیمان‌نامه پیوستند، تنها دو دولت لبنان و عربستان سعودی بودند.

مبانی بنیادینی که این پیمان‌نامه جهانی بر آن‌ها مبتنی است عبارت‌اند از:

۱. مدت حمایت برای شهروندان کشوری که این حمایت در سایه آن کشور درخواست می‌شود، در آغاز، ۲۵ سال از تاریخ انتشار تعیین شد.

۲. اما مدت حمایت برای شهروندان دیگر کشورهای عضو پیمان ۲۵ سال پس از تاریخ مرگ مؤلف تعیین شد و سپس به ۵۰ سال پس از تاریخ مرگ مؤلف اصلاح گردید.

۳. بر خلاف پیمان‌نامه برن، پیمان‌نامه جهانی حق مؤلف، اجازه اعتماد بر علامت کپی‌رایت را به عنوان شرط حمایت می‌دهد. البته این علامت به سمبل «©» و تأکید بر عدم حق نسخه‌برداری خلاصه شده است.

۴. پیمان‌نامه جهانی حق مؤلف، در متن اصلی نخستین خود،

پایین‌ترین حد این حقوق را تعیین نمی‌کند، بلکه به تعیین لزوم ایجاد حمایتی مناسب و کارآمد بسنده می‌کند، هر چند اصلاحات بعدی حق برخورداری از چهار حق انحصاری زیر را برای دارنده حق چاپ تعیین کرد:

حق نسخه‌برداری یا چاپ، حق پخش، حق اجرای علنی، حق ترجمه.

۵. این پیمان همچنین به مؤلفان کشورهای عضو پیمان‌نامه حق می‌دهد از همان حقوقی استفاده کنند که شهروندان هر کشور هم‌پیمان که حمایت در آن کشور درخواست می‌شود از آن حقوق برخوردارند.

ج - پیمان‌نامه ژم برای حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان آوانگاشت‌ها

(Phonograms) و مراکز پخش (۱۹۶۱)

این پیمان‌نامه با دیگر پیمان‌نامه‌ها متفاوت است، چرا که می‌کوشد توازنی میان سه مجموعه از صاحبان حقوق: اجراکنندگان، تولیدکنندگان نوارهای شنیداری و پخش‌کنندگان برقرار کند که این حقوق، حقوق جانبی (Neighboring Rights) نامیده شده‌اند.

این کوشش به پدید آمدن مشکلی در مورد اتفاق نظر بر متن نهایی انجامید که به دو دلیل اصلی زیر بود:

۱. تازگی دو تکنولوژی ضبط و پخش که در شناخت تأثیر این دو

تکنولوژی بر کاربرد آثار ادبی و هنری دشواری پدید آورد.

۲. ترس صاحبان حقوق مؤلف یا صاحبان حقوق چاپ از حقوقشان که

به موجب پیمان‌های دیگری مورد حمایت قرار گرفته بود یا قوانین

محلی از آن‌ها حمایت می‌کرد.

پس از بیش از نیم قرن گفت‌وگو، در سال ۱۹۶۱ دولت‌های هم‌پیمان بر

تصویب متن نهایی این پیمان‌نامه اتفاق نظر پیدا کردند. لبنان تنها کشور

عربی پیوسته به این پیمان به حساب می‌آید.

اما مبانی اصلی که این پیمان‌نامه بر آن‌ها استوار است به شرح زیرند:

۱. این پیمان‌نامه مبنای معامله شهروندان دولت‌های عضو را مبنای معامله شهروندان کشوری قرار می‌دهد که حمایت در آن کشور درخواست می‌شود.

۲. این پیمان‌نامه اجازه می‌دهد کشورهای هم‌پیمان مبانی رفتار متقابل را در مورد برخی حقوق که می‌توانند شأن آن حقوق را رعایت کنند معتبر بشمارند.

۳. این پیمان‌نامه مدت حمایت را ۲۰ سال تعیین کرد.

۴. این پیمان‌نامه کمترین علامتی را که کشورهای پیوسته به آن می‌توانند برای حمایت معتبر بشمارند تعیین کرده است.

#### د - پیمان‌نامه آثار شنیداری (۱۹۷۱)

بر خلاف پیمان رم اتفاق نظر بر سر متن نهایی پیمان آثار شنیداری بیش از ۱/۵ سال به طول نینجامید.

هدف اصلی این پیمان‌نامه جلوگیری از نسخه‌برداری غیر قانونی از آثار شنیداری که به شکل گسترده در جهان منتشر شده‌اند.

هنوز هیچ دولت عربی به این پیمان پیوسته است.

مبانی اصلی این پیمان‌نامه عبارت‌اند از:

۱. موافقت کشورهای عضو پیمان بر موجبات (قانونی) در ارتباط با یکدیگر. این توافق تفاوت اصلی این پیمان‌نامه با پیمان‌نامه‌های دیگر است که کمترین حد حقوق را که دولت‌های عضو باید در قوانین محلی خود تعیین کنند بر این دولت‌ها الزام می‌کند.

۲. این پیمان‌نامه به کشورهای هم‌پیمان اجازه هیچ‌گونه جلوگیری از اجرای احکامش را نمی‌دهد.

۳. این پیمان‌نامه به کشورهای هم‌پیمان اجازه نمی‌دهد معافیت الزامی (از حقوق تحت حمایت) بدهند، البته نه در مورد آموزش یا تحقیقات علمی.

۴. این حمایت شامل نسخه‌برداری از ضبط (آثار) صوتی و نیز دوباره خواندن و توزیع آن می‌شود.

۵. شخص مورد حمایت فقط کسی است که نخستین ضبط صدا را انجام می‌دهد، به شرط این‌که از شهروندان یکی از دولت‌های عضو پیمان‌نامه باشد.

۵- پیمان واشنگتن مربوط به دیسک‌های الکترونیک (۱۹۸۹). هدف این پیمان‌نامه حمایت از حقوق مؤلف است در باره آنچه به Layout Design or Topography در مورد دیسک معروف است. هیچ دولت عربی به این پیمان نیوسته است.

و- موافقت‌نامه تریپس<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) (جنبه‌های تجاری مالکیت فکری) موافقت‌نامه تریپس یکی از قراردادهای متعدد ملحق شده به پیمان‌نامه سازمان جهانی تجارت<sup>۲</sup> است و از جمله قراردادهایی است که هر دولت عضو سازمان مذکور می‌باید به آن روی آورد.

موافقت‌نامه تریپس هفت بخش را شامل می‌شود:

۱. احکام عمومی و مبانی اصلی، که این بخش، طبیعت و قلمرو الزامات دولت‌ها و نیز دیگر پیمان‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به مالکیت فکری را مشخص می‌کند. همچنین مبنای معامله دولت منعقدکننده پیمان‌نامه را متمایز از دیگر دولت‌ها و مبنای رفتار

1. TRIPS

2. World Trade Organization (WTO)

شهروندان کشورهای دیگر را مبنای رفتار شهروندان محلی تعیین و هدف‌ها و مبانی حمایت مالکیت ادبی را مشخص می‌کند.

۲. بنیادهای موجود و محدوده و کاربرد حقوق مالکیت فکری، که همه انواع مالکیت فکری را مشخص می‌کند.

۳. حمایت از حقوق مالکیت فکری، که دولت‌های عضو را ملزم می‌کند برای آنچه جهت اجرای (احکام) این پیمان‌نامه لازم است، مثل عملیات گمرکی و دعاوی کیفری و مدنی و اداری و مجازات‌های مختلف، به منظور حمایت از حقوق مالکیت فکری تصمیم بگیرند.

۴. دارا شدن حقوق مالکیت فکری و محافظت از آن‌ها، که اقدامات و اصولی را که انجام آن‌ها برای دارا شدن حقوق مالکیت فکری و حفظ آن لازم است تشریح می‌کند.

۵. حل اختلافات، که بنیادهای قوانین و مقررات و احکام حقوق مالکیت فکری را وضع و اصولی را که رعایت آن‌ها در حل اختلاف‌های راجع به تریپس لازم است تعیین می‌کند.

۶. کارهای اجرایی انتقالی، که تاریخ‌های تطبیق مقررات تریپس (بر موارد مصداقی) را تعیین می‌کند.

۷. کارهای اجرایی تنظیم‌کننده و احکام گوناگون، که احکام مختلف مربوط به نشست تریپس و تعاون بین‌المللی و جلوگیری از اجرا و استثنائات مجاز برای دولت‌های عضو تریپس را در بر می‌گیرد.

ز- پیمان‌نامه وایپو برای حمایت از حق مؤلف<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)

این پیمان‌نامه، به موجب ماده‌نخست آن، نوعی قرارداد خاص است مطابق

1. WIPO Copyright Treaty (WCT)

با آنچه در ماده بیستم پیمان برن آمده است. هنگامی که به ماده بیستم پیمان برن رجوع می‌کنیم می‌بینیم که در متن آن چنین آمده است:

«حکومت‌های کشورهای امضاکننده پیمان برن، با حصول اتفاق نظر خاص میان خود، امکان تدوین حقوق مؤلفان را، بهتر از آنچه در قرارداد آمده، یا افزودن بندهایی بیشتر از بندهای آن را برای خود محفوظ نگه می‌دارند، ولی این حقوق نباید با پیمان در تناقض باشد.»

مهم‌ترین مواد پیمان‌نامه وایپو متضمن این موارد است:

۱. احکام پیمان جدید مکمل احکام پیمان برن است.
۲. حمایت از حقوق مؤلف به آنچه وی به صورت محسوس و واقعی پدید می‌آورد تعلق می‌گیرد و، در نتیجه، حمایت شامل اندیشه‌ها و آرایه‌ها که به ظهور نرسند نمی‌شود.
۳. برنامه‌های کامپیوتری، مثل محصولات ادبی، مطابق ماده دوم پیمان برن از حمایت برخوردار می‌شوند و این حمایت همه برنامه‌های کامپیوتری را، از هر نوع و به هر شکل، شامل می‌شود.
۴. حق توزیع و ترویج محصولات فکری تنها به خود مؤلف بازمی‌گردد و او هرگونه بخواهد در آن تصرف می‌کند.
۵. مؤلفان برنامه‌های کامپیوتری و آثار سینمایی و آثار موسیقایی ضبط شده از حمایت برخوردار می‌شوند.
۶. نویسندگان و صاحبان آثار هنری از حق انحصاری برای صدور اجازه مبنی بر در دسترس عموم قرار گرفتن اندیشه‌ها یا آثارشان در صورت تمایل برخوردار هستند.

باید اشاره شود که پیمان‌نامه وایپو، در پایان، در برگیرنده لایحه‌ای الحاقی به پیمان‌نامه برن است که مواد آن به اعطا و سامان‌دهی تسهیلات ویژه به کشورهای اختصاص داده شده که هنوز، مطابق بیانیه‌های مجمع

عمومی سازمان ملل متحد، در مرحله توسعه‌اند. به مقتضای این تسهیلات، به کشورهای یادشده اجازه ترجمه یا نشر تألیفات علمی و ادبی مطابق شرایطی معین داده شده است. در ادامه، شروط یاد شده را بیان خواهم کرد.

ح - پیمان وایو برای حمایت از هنرمندانی که آثار خود را اجرا می‌کنند و حمایت از تهیه‌کنندگان آثار شنیداری (۱۹۹۶)

هدف این پیمان حمایت از حقوق هنرمندانی است که آثار هنری خود را اجرا می‌کنند و هدف دیگرش نیز حمایت از تهیه‌کنندگان آثار هنری شنیداری در برابر کاربرد غیر قانونی آنهاست، خواه این کاربرد به صورت دیجیتالی باشد خواه در اینترنت.

در این پیمان‌نامه احکامی در این خصوص آمده که مهمترین آنها را می‌آوریم:

۱. لازم نیست احکام پیمان‌نامه کنونی بر مصوباتی که در نتیجه پیمان سال ۱۹۶۱ رُم در مورد حقوق کسانی که آثار هنری خود را اجرا می‌کنند یا توافقی که در مورد تولیدکنندگان آثار هنری یا رادیویی میان‌گروه‌ها پدید آمده تأثیر بگذارد.

۲. این پیمان‌نامه به هیچ یک از حقوق یا قوانین یا تعهداتی که در معاهدات دیگر آمده آسیبی نمی‌رساند.

۳. این پیمان‌نامه آثار هنری منظور نظر احکام خود را تعریف می‌کند. این آثار عبارت‌اند از: اجرای آثار هنری، ضبط سمعی و بصری، پخش آثار هنری، آثار (یا کارهای) رادیویی، انتقال این آثار به مردم.

۴. این پیمان‌نامه آثار هنری منظور نظر و متعلق به تهیه‌کنندگان دیگر کشورهای امضاکننده آن را حمایت می‌کند.

۵. این پیمان‌نامه حمایت از حقوق اجراکنندگان آثار را حتی پس از

مرگ آنان تأمین می‌کند.

۶. این پیمان‌نامه از حق انحصاری در مورد پخش آثار هنرمندان یا رساندن آن‌ها به دست مردم حمایت می‌کند.

۷. فقط این هنرمندان هستند که در مورد تولید آثارشان یا رساندن آن‌ها به دست مردم یا دادن اجازه پخش آن‌ها، به هر شیوه و راهی که مناسب می‌دانند، حق دارند.

۸. این قرارداد از حق انحصاری صاحبان آثار هنری در توزیع آثارشان، به هر شیوه که مناسب می‌بینند، حمایت می‌کند.

تاکنون هیچ دولت اسلامی یا عربی به پیمان وایبو برای حق مؤلف و نیز به پیمان حقوق اجراکنندگان و تهیه‌کنندگان آثار شنیداری نپیوسته است. خوب است اشاره شود که دولت لبنان به سال ۱۹۹۹ قانونی جدید در ارتباط با حمایت از آثار هنری شنیداری و دیداری و قانونی در حمایت از برنامه‌های کامپیوتری، افزون بر حمایت تضمین‌شده در پیمان برن، صادر کرد.

بخش سوم: تسهیلات اختصاص یافته در مورد آنچه به کشورهای در حال توسعه مربوط می‌شود و در ملحقات پیمان برن آمده است  
برای رعایت حال کشورهایی که هنوز، به لحاظ اقتصادی و علمی و مالی، در مرحله توسعه هستند، مواد ویژه‌ای به پیمان برن الحاق شد که تسهیلاتی در زمینه ترجمه و نشر به این کشورها اعطا می‌کند:  
ماده نخست این متن الحاقی چنین می‌گوید:

همه کشورهای، که، مطابق منشور صادر شده از مجمع عمومی سازمان ملل متحد، هنوز در حال توسعه به حساب می‌آیند و این پیمان و پیمانی را که این متن الحاقی جزئی جدانشدنی از آن به شمار می‌آید امضا می‌کنند یا به آن می‌پیوندند، اگر ظرفیت‌های اقتصادی یا نیازهای اجتماعی یا فرهنگی آن‌ها اجازه اتخاذ تدابیر

لازم برای رعایت و اجرای همه حقوقی که در این پیمان آمده به آن‌ها نمی‌دهد، چنان‌چه هنگام اعلام موافقت خود با این پیمان یا پیوستن به آن مراتب تمایل خود را به مدیر عمومی اطلاع دهند یا پس از این تاریخ مراتب را به اطلاع وی برسانند، می‌توانند از فرصت‌های داده شده به آن‌ها، به موجب مواد الحاق شده و در ضمن مهلت‌های تعیین شده در ماده اول، استفاده کنند.

پیداست که ماده هشتم پیمان برن مشخص می‌کند که مؤلف کتاب ادبی یا هنری - که به موجب پیمان مذکور مورد حمایت قرار دارد - تنها خودش از حق دادن اجازه ترجمه مؤلفاتش برخوردار است. با این حال، ماده دوم لایحه الحاقی پیمان، به کشورهای توسعه یافته اجازه می‌دهد که، در عوض، از حمایت قید شده در ماده هشتم پیمان برن که در حمایت از حق مؤلف در زمینه آثار منتشر شده اوست، به صورت چاپی یا به هر شکل دیگر، استفاده کنند. این پیمان اجازه می‌دهد که کشورهای مذکور تحت نظام اجازه ترجمه‌ای که از طریق دستگاه‌های قانون‌گذاری خاص خود آن‌ها داده می‌شود از این حمایت بهره بگیرند.

هر گاه سه سال یا هر مدتی بیش از آنچه دستگاه‌های قانون‌گذاری در کشور مذکور تعیین کرده‌اند از تاریخ نخستین چاپ کتاب بگذرد و هیچ ترجمه دارای مجوز - ترجمه‌ای از کتاب که به زبان اغلب مردم آن کشور پیشرفته باشد - از سوی مؤلف منتشر نشود، هر شهروندی حق خواهد داشت اجازه ترجمه این کتاب به زبان محلی کشور یاد شده را بگیرد و آن را به شکل چاپ شده یا هر شکل مشابه دیگر به فروش رساند.

اگر برخی از ساکنان این کشور به زبانی خاص سخن می‌گویند می‌توانند، پس از گذشت یک سال از نشر کتاب به زبان اصلی، به ترجمه آن پردازند و هر گاه کشورهای پیشرفته عضو پیمان برن تمایل پیدا کنند کتابی مشخص را به زبانی که اغلب یا همگی ساکنان این کشور به آن تکلم

می‌کنند ترجمه نمایند، مدت یادشده به تنها یک سال کاهش می‌یابد. ماده دوم لایحه الحاقی شرط می‌کند که این ترجمه باید برای هدف‌های آموزشی یا به هدف نشر معلومات علمی یا هنری باشد. ماده یادشده، همچنان‌که شروطی مفصل وضع کرده، شیوه استفاده از مجوز یاد شده را نیز بیان و تنظیم کرده است و بر خلاف مفاد ماده نهم پیمان برن، که تنها به مؤلف حق انتشار مؤلفاتش را به هر شکل که بخواهد می‌داد، ماده سوم لایحه الحاقی پیمان برن به هر کشور از کشورهایی که هنوز در حال توسعه‌اند اجازه داده است از تسهیلاتی که این لایحه الحاقی به آنان می‌دهد استفاده کنند؛ به این صورت که هر کشور هنگام امضای پیمان یا پیوستن به آن، تمایل خود را اعلام کند. ماده سوم به مؤلف اجازه می‌دهد کتاب‌ها و مؤلفات خود را، به مقتضای اجازه‌ای که از دستگاه‌های قانونی در کشور متبوعش می‌گیرد، منتشر کند. این اجازه در ضمن شرایط و مهلت‌های زیر داده شده است:

۱. در صورتی که این انتشار ضرری به بهره‌برداری معمولی صاحب کتاب وارد نسازد یا توهینی به او نباشد.
۲. هر گاه اثری علمی یا موسیقایی باشد، در صورتی از تسهیلات بهره‌مند می‌شود که این کار پس از گذشت سه سال از نشر آن صورت پذیرد.
۳. پس از گذشت هفت سال از نشر کتاب، اگر کتاب داستانی یا شعریا موسیقی یا هنری باشد.
۴. اگر نویسنده کتاب از متداول شدن کتابش جلوگیری و ترویج آن را متوقف کند، دادن هر گونه اجازه نشر غیر ممکن است.
۵. اگر نویسنده به پخش کتابش در کشوری معین و به قیمتی که قبلاً به دست مردم می‌رسیده است تعهد داشته باشد، چنان‌چه نیاز بیشتر ساکنان این کشور با همان زبانی که کتاب با آن منتشر شده بر طرف

- می شود، نهایتاً اجازه نشر داده خواهد شد.
۶. بدون ادامه فروش نسخه‌هایی که صاحب اجازه قبلاً چاپ کرده و تا تمام شدن همه این نسخه‌ها نمی‌توان اجازه نشر داد.
۷. با انتقال مؤلف از کشور در حال توسعه به کشور پیشرفته، کشور مورد نظر از موضوعیت بحث خارج می‌شود.

### خاتمه و ملاحظات

در حمایت از حق مؤلف، تقدیر اندیشه بشری و نوآوری انسانی نهفته است: در جایی که قوانین بسیاری همواره بر حمایت از حقوق مادی همچون حمایت از مالکیت اشیاء منقول و غیرمنقول تأکید داشته‌اند، در حالی که این قوانین هنوز کامل نیستند و خود از ابداعات اندیشه بشری‌اند، بدیهی است که باید قانونی باشد که از آفریده‌های اندیشه و عقل انسان حمایت کند. تلاش‌هایی که دولت‌ها در جهت پدید آوردن و امضای پیمان‌های حامی آثار اندیشه بشری کرده‌اند از جمله کارهای مهم‌اند و اثر مستقیم این کارها رشد نوآوری است، چرا که این حمایت به ابداع‌کننده آرامش و اطمینان می‌دهد که بدون بیم از سرقت آثارش یا بهره‌برداری غیر عادلانه از آن‌ها به کار خود پردازد. هر چند همه دولت‌ها به پیمان‌های بین‌المللی پیوسته‌اند، ولی این امر را در قانون‌گذاری‌های داخلی خود از نظر دور نمی‌دارند.

در خلال بررسی مفاد پیمان‌های بین‌المللی، چه قدیمی و چه جدید، ملاحظه کردیم که این پیمان‌ها به مبانی و عناوین اکتفا کرده‌اند بی آن‌که به تفصیل آن‌ها پردازند و این کار را به قانون‌گذاری داخلی واگذاشته‌اند - کاری که بسیار مهم است؛ به استثنای آنچه در ۱۹۹۶ در پیمان‌نامه واپس آمده که برای نخستین بار تأکید می‌کند که حقوق مورد حمایت آن‌هایی هستند که به منصب ظهور رسیده باشند و، در نتیجه، اندیشه‌ها و ایده‌هایی

که در دل و فکر انسان است مشمول حمایت نخواهد بود. همهٔ پیمان‌ها شرایط مطلوب برای حمایت از آثار فکری را تعیین نمی‌کنند مگر این‌که ارزش حمایت داشته باشند و این همان چیزی است که قوانین داخلی و آرای دادگاه‌ها وظیفهٔ تشخیص آن را به عهده دارند. به عنوان مثال، امروزه اجماعی فقهی و قانونی پدید آمده است که اثر فکری دارای ارزش حمایت، اثری است که نوآوری باشد، یعنی مؤلف در آن اثر چیزی از شخصیت و هویت خود را به جای گذارده باشد.

از دیرباز تاکنون، پیمان‌های بین‌المللی به تفصیل در جهت تحقق شرایط حمایت پرداخته‌اند اما بهتر این است که هنوز هم در این راه قدم بردارند. این نکته را ناگزیر باید در نظر داشت که هر چند بیشتر دولت‌های عربی و اسلامی و شاید همهٔ آن‌ها نه تنها به پیمان سال ۱۹۹۹، بلکه به دیگر پیمان‌ها نیز نیویسته‌اند - پیمانی که به حمایت از آثار فکری و هنری می‌پردازد و با تحولات عظیمی که در عرصهٔ ارتباطات و الکترونیک پدید آمده همگام است، اما بهتر است این دولت‌ها به سمت پیوستن به این پیمان‌ها گرایش پیدا کنند؛ زیرا مدت زمان درازی است که از این تحول علمی استفاده می‌کنند و دیرزمانی است که سرمایه‌گذاری‌های جدید، به ناگزیر، مشکلاتی را در نتیجهٔ برخورد منافع افراد یا گروه‌ها می‌آفریند، چنان‌که هم‌اکنون این اتفاق در هر عرصهٔ دیگر که نوع بشر فعالیت می‌کند افتاده است.

## پرسش و پاسخ

**پرسش:** آیا در لبنان استفاده از ضمیمه کنوانسیون برن عملاً موردی داشته است و آنان نیز تجربه کرده اند یا نه؟

**پاسخ:** حمایت از حق مؤلف در لبنان از طریق اقدام شخص زیان دیده و به سبک و سیاق اقامه دعوا اجرا می شود. قانون حمایت از مالکیت فکری به مؤلف زیان دیده که اثرش به سرقت رفته است سه ضمانت می دهد:

ضمانت اول این که قانون به گرفتن جریمه حکم می کند و این جریمه سنگین است. در برخی موارد حکم به زندانی کردن مجرم (سارق ادبی) می کند. و در هر حال، شخص زیان دیده می تواند مابازاء (عوض) زیانی را که به او رسیده است مطالبه کند. قانون لبنان مقررات اجرایی سریعی وضع کرده است. مثلاً، فرض کنید من مؤلف ام و به من خبر می رسد که کسی از کتابم تقلید کرده یا آن را به سرقت برده یا ترجمه کرده است. من می توانم، به سبب زیانی که به من رسیده به قاضی ای که قاضی امور فوری نامیده می شود رجوع کنم و او، به استناد کیفرخواستی که قبلاً داده ام، تدبیری اتخاذ می کند و از جمله یکروزه همه کتاب های تقلیدی و سرقتی را مصادره می کند، چرا که اقامه دعوا و درخواست مابازاء گاه به درازا می کشد و مجرم می تواند (در خلال این مدت) همه کتاب های چاپ شده را به فروش برساند.

**پرسش:** آیا در لبنان برای کسانی که به حقوق مالکیت فکری تعرض می کنند، دادگاه های ویژه ای وجود دارد؟

**پاسخ:** می دانید که امور تجاری و مدنی دگرگون می شوند. اگر

بخواهیم برای هر فرع از قانون دادگاهی ایجاد کنیم از این کار ناتوان خواهیم بود. امروزه، در لبنان، پس از گذشت ده سال از جنگ، هزاران دعوای قانونی داریم و دستگاه قضاوت لبنان در بسیاری از دعاوی با مشکلات زیادی روبه‌روست. در نتیجه، اختصاص دادن دادگاه خاص در مورد این قضایای حقوقی ممکن نیست. در توزیع کارها میان دادگاه‌ها مثلاً می‌گوییم این دادگاه در بیروت متولی قضایای مالی و تجاری است، دادگاه دوم قضایای حقوق زمین‌های زراعی و حقوق مؤلف را به عهده می‌گیرد، دادگاه سوم ... و هكذا.

به هر حال، این‌گونه دعاوی دادگاه دارد، اما نه دادگاهی مستقل. یعنی دادگاهی ویژه، فارغ از همه دعاوی، برای این قضایا یافت نمی‌شود. ناشر می‌تواند این دعاوی را هم در دادگاه مدنی مطرح کند و هم در دادگاه جنایی؛ زیرا جرم، سرقت است و این، برای مؤلف آسان‌تر است. البته در بیشتر موارد این دعاوی در دادگاه‌های جزایی مطرح می‌شود، چون آسان‌تر است. دادگاه مدنی تشریفات برای استیفای حق دارد، اما دادگاه جزایی چنین نیست و دارای عملکردی سریع‌تر است و امکان توقیف شخص را نیز دارد، در حالی که دادگاه مدنی تنها حکم به رسیدگی می‌دهد و وقت بیشتری می‌گیرد.